





واکاوی مولفه های علمی تمدن حکومت شیعی در قرآن

اعظم هاشمی نیا<sup>۱\*</sup>   
سید محمد نقیب<sup>۲</sup> 

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.512420.1455> 

دریافت: ۱۴۰۴-۰۱-۲۱  
بازنگری: ۱۴۰۴-۰۳-۱۸  
پذیرش: ۱۴۰۴-۰۵-۰۴  
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۷-۳۰

مقاله: پژوهشی

چکیده

پژوهش پیش رو با هدف بررسی و شناخت مولفه‌های علمی تمدن شیعه، تدوین گردیده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بود. یافته‌ها نشان داد شش مولفه‌ی علمی برای تمدن شیعی می‌توان استخراج کرد، کرامت انسانی، عقلانیت، نگرش توحیدی، عدالت گستری، علم اندوزی، بهداشت فردی و جمعی در درجات بعدی مولفه‌های تمدن ساز شیعی قرار می‌گیرند، که با الهام از قرآن و سخنان معصومان در نظر قرار گرفته‌اند. شواهد نشان داد با تکیه بر این شش اصل که برگرفته از مولفه‌های معارف قرآنی و سیره معصومین است می‌توان ادامه ساخت تمدن شیعی را پیگیری و آن را احیا نمود.

واژگان کلیدی: مولفه های علمی، حکومت شیعی، تمدن سازی اسلامی، نقش آفرینی شیعه در تمدن.

استناد به مقاله:

نام خانوادگی، نام. (سال). عنوان. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره(شماره)، ۰-۰۰.  
Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.512420.1455>



۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول).

[azmhashmynya@gmail.com](mailto:azmhashmynya@gmail.com)

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.



شناخت مولفه‌های تمدن سازی حکومت شیعی ریشه در کلام قرآن کریم و سیره رفتاری، پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ص) دارد. با مراجعه به قرآن کریم و توجه به سنت‌های به جا از رهبران شیعی می‌توان به نقش آفرینی ایشان در ساخت تمدن شیعی پی برد. مجموعه‌ای از مولفه‌های علمی در قرآن کریم و سیره این رهبران وجود داشته، که همه ابعاد زندگی فردی، که شامل رویکردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی افراد خردمند را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. این رویکردها از سه بعد اصلی (هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، و انسان‌شناختی) استخراج شده‌اند و با رویکرد تمدن‌سازی شیعی (مانند تأکید بر امامت و عدالت) هم‌خوانی دارند. تمدن شیعی با کمک گرفتن از آموزه‌های قرآنی که مبتنی بر آیات عمیق و چند بعدی بوده، توانسته بر مسائل مهم حیات جمعی و مسائل ریز فردی فائق گردد. این برداشت زمانی اثبات می‌شود که بتوان تطبیق این قوانین و قواعد دینی را با اصول طبیعی بشری مقایسه نمود. با این وجود باید پذیرفت برای پیوستن به لقاء الله، فضا و محیط زندگی فردی و اجتماعی، باید عین اسلام باشد؛ تا بتوان به مقام کمال انسانیت که غایت و هدف آفرینش است صعود کرد.

اهمیت پژوهش پیش رو در خوانش مولفه‌های علمی تمدن شیعی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی از منظر حکومت شیعی می‌باشد که باتکیه بر آموزه‌های حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) شکل گرفته است. اما به راستی مولفه‌های علمی تمدن ساز شیعی کدام می‌باشد؟ از سویی این مولفه‌های علمی تمدن ساز شیعی در رویکرد کدامین رهبران شیعی به طور مشخص نمایان است؟ پژوهش پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای، تلاش دارد تا به اهداف مشخص شده دست یابد.

#### پیشینه پژوهش

با مطالعه منابع موجود به این نکته کلیدی دست یافتیم که در خصوص مولفه‌های علمی تمدن شیعی با فقر منابع گسترده روبرو هستیم. از آنجایی که شیعیان در سراسر جهان حضور دارند ولی در خصوص مولفه‌های علمی تمدن شیعی تا به امروز کار پژوهشی مشخصی صورت نگرفته است. با این وجود منابعی در خصوص سیره علوی مشاهده می‌شود که در ادامه به گوشه‌هایی از این مطالعات اشاره خواهیم کرد. زمانی محبوب (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «مولفه‌های تمدن ساز در سیره امام علی (ع) با رویکرد قرآنی» تلاش دارد تا نقش امامان شیعی را در تحقق تمدن اسلامی باز تعریف نماید. در این سیر جایگاه قرآن کریم و پیامبر اکرم (ص) و حتی سایر امامان معصوم (ع) به جز حضرت علی (ع) کم رنگ جلوه می‌کند در حای که این مسیر ادامه ساختاریست که قرآن کریم به همراه رسول او پی ریزی نموده اند. پولادیان و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «باز پژوهی مولفه‌های شیعی آیین فتوت» تلاش دارد تا مولفه‌های شیعی که در فتوت ریشه دارد را شناسایی و ریشه‌یابی کند. این پژوهش نیز به دنبال ریشه‌های تمدن شیعی نیست که بنیان سیاسی و اجتماعی رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) به دنبال آن بوده اند و تنها به گوشه‌هایی از اهداف ایشان اشاره دارد. موسوی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تمدن شیعی یا تمدن اسلامی» تلاش دارد تا مبانی معرفتی تشیع و تغییر و تحولات حاصل از شیعی را دسته بندی نماید. هر چند این دسته بند بسیار دقیق صورت گرفته اما با ساختار مولفه‌های علمی تمدن شیعی فاصله دارد. اکاتی و دادخدا (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش امام علی (ع) در گسترش تمدن اسلامی (مطالعه موردی توزیع اقتصادی)» به مسئله رشد اقتصادی و شیوه مبارزه با فساد در زمان آن حضرت می‌پردازد، در این پژوهش به خوبی به گسترش عدالت اقتصادی و رفاه عمومی پرداخته است که می‌توان از دستاوردهای ایشان در این پژوهش استفاده نمود. منتظرالقائم (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان «نبوی و علوی» با تکیه بر نمونه «پدیدار شناختی» به مطالعه فرهنگ و تمدن سازی نبوی و علوی پرداخته است. شاید بتوان نمونه‌های دیگری هم در این خصوص معرفی کرد ولی هیچ یک به مولفه-

های علمی تمدن شیعی در به صورت خواص نپرداخته‌اند. از این رو می‌توان پژوهش پیشرو را به عنوان اولین نمونه در زمینه مولفه‌های علمی تمدن حکومت شیعی می‌توان معرفی نمود.

### مبانی نظری

#### ۱-۳- مفهوم تمدن

واژه تمدن<sup>۱</sup> برگرفته از کلمه شهر<sup>۲</sup> با مفهوم مدنی معرفی شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۹۷۲؛ عمید، ۱۳۷۱، ص ۶۱۵). در زبان انگلیسی این کلمه با کلماتی نظیر مؤدب، مبادی آداب، نزاکت، شهرنشین، نجیب و قابل احترام مترادف است (بختی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۹). ویل دورانت تمدن را به معنای «نظمی اجتماعی معرفی می‌کند که خلاقیت فرهنگی را به ارمغان می‌آورد» (ویل دورانت، ۱۳۷۸، ص ۳)، در میان صاحب نظران اسلامی خواجه نصیر الدین طوسی و ابن خلدون تمدن حالت اجتماعی شدن انسان معرفی شده است (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۲۵۲؛ ابن خلدون، ۱۳۵۹، ص ۷۷). استفاده از تعاریف فوق، می‌توانیم تمدن را نوعی پیشرفت و توسعه همه‌جانبه در نظر بگیریم که در نتیجه مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشر بوده است.

تمدن اسلامی، با محوریت دین اسلام و قرآن و سنت توانست در بازه زمانی کوتاه بر سایر تمدن‌های قدرتمند زمانه خود چیره شود. صدر معتقد است: «تمدن اسلامی مجموعه‌ای از آثار و تولیدات می‌باشد که پس از ظهور دین مبین اسلام در جزیره‌العرب و پیوستن مردمان دیگر سرزمین‌ها، پدید آمد و این تمدن را ترکیبی از عناصر تأسیسی، تملیکی و تقلیدی می‌باشد و همین دلیل تملیکی و تقلیدی در پایان قرن پنجم هجری باعث می‌شود که شکوفایی خود را از دست بدهد و با حمله مغولان، آخرین بازمانده‌های آن هم از میان بروند. البته در بخش تأسیسی باید از علمی یاد کرد که نواخ بنیاد نهادند و در حقیقت بخش اصلی نیروزایی و محرک واقعی تمدن اسلامی بود» (صدری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸).

#### ۲-۳- مفهوم علم

درک مفهوم علم<sup>۳</sup> یکی از چالش‌های عصر حاضر می‌باشد. چراکه مفهوم علم پایه و اساس دعوای علم و دین برای سال‌ها و حتی قرن‌ها در غرب بوده است. در ساده‌ترین کلام، علم یعنی آگاهی و کوچک‌ترین واحد آن خبر یا «اطلاعات»<sup>۴</sup> است. در تعریفی دیگر: «علم تلاشی نظام‌مند است که دانش را در قالب توضیحات و پیش‌بینی‌های قابل آزمایش درباره تمامیت جهان می‌سازد و سازمان می‌دهد» (هیلبرون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳، ص ۴). ارسطو معتقد است: «دانش علمی، مجموعه‌ای از آگاهی‌های قابل اتکا است که از لحاظ منطقی، قابل توضیح باشند» (ویلسون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹، ص ۵۲)، همچنین علم گاه به مجموعه گزاره‌ها و اطلاعاتی گفته می‌شود که دانشمندان در کاوش‌های علمی حول یک موضوع یا برای تأمین یک هدف گردآورده‌اند و بین آنان بر اساس زبان علوم مورد گفتگو قرار می‌گیرد. واژه علم از زبان عربی، وارد زبان فارسی شده است. پردازش اطلاعات علم را خلق می‌کند.

1. Civilization
2. civil
3. Science
4. Information
5. Heilbron
6. Wilson

#### ۴- مولفه‌های علمی تمدن شیعی

مولفه‌های علمی تمدن حکومت شیعی در قرآن نیازمند رویکردی چندوجهی است که هم مفاهیم قرآنی مرتبط با تمدن و حاکمیت را تحلیل کند و هم اصول و ارزش‌های شیعی را در چارچوب آیات قرآن مورد توجه قرار دهد. از آنجا که قرآن کتابی جامع و هدایت‌گر است، مولفه‌های تمدن‌سازی و حاکمیت در آن به صورت اصول کلی بیان شده‌اند که می‌توانند برای یک حکومت شیعی تفسیر و تبیین شوند. از سویی ارتباط تمدن شیعی با قرآن کریم در اصول، ارزش‌ها و مبانی‌ای نهفته است که قرآن به‌عنوان منبع اصلی هدایت و قانون‌گذاری ارائه می‌دهد. به بیانی تمدن شیعی، به‌عنوان یک نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های شیعه، از قرآن کریم به‌عنوان منبعی الهی برای استخراج اصول حاکمیتی، اخلاقی و اجتماعی استفاده می‌کند. این ارتباط را می‌توان در چند بعد کلیدی بررسی کرد که در ادامه به صورت نظام‌مند و با استناد به آیات قرآنی و تفاسیر شیعی توضیح داده می‌شود.

#### ۴-۱- توجه به کرامت انسانی

از مهمترین مولفه‌های علمی تمدن شیعی، می‌توان به بزرگداشت مقام انسان و حفظ کرامت و شرافت انسان اشاره کرد، به تعبیر قرآن، خداوند انسان را جانشین خود بر روی زمین قرار داد (بقره، ۳۰). این اوج عظمت و جود و کرامت انسان است. تمدن اسلامی و بخصوص شیعی، انسان را در زمین و آسمان، اشرف مخلوقات می‌داند و به هیچ مخلوقی اجازه اهانت و تحقیر انسان را نمی‌دهد. دهخدا تکریم را به معنی «منزه داشتن، حرمت نگه داشتن، گرامی داشتن و بزرگوار شمردن معرفی کرده» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۶۰۵۰). جوادی آملی کرامت را به معنی «عزت و برتری معرفی می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۶۷، ص ۲۰).

اما کرامت انسانی چه ارتباطی با مولفه‌های علمی تمدن دارد؟ قرآن کریم با صراحت اعلام می‌کند که نوع بشر از این حیث بر بسیاری از مخلوقات الهی برتری دارد (اسراء، ۷۰). تبریزی زاده اصفهانی نیز معتقد است: «از شاخص‌های جامعه متمدن و مطلوب قرآنی، حفظ کرامت والای انسانی است» (تبریزی زاده اصفهانی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵).

از منظر شریعت، بعثت و شرایع آسمانی برای تربیت انسان و برخاسته از لطف الهی نسبت به بندگانش است و از آنجا که انسان، قبل از بعثت و تربیت الهی تنها دارایی او انسانیت او است؛ اگر احترامی نسبت به او بشود؛ فقط به خاطر حیثیت انسانی او یعنی کرامت ذاتی است؛ بنابراین کرامت انسانی و وجود توانایی‌های مبارک بشر علت و فلسفه وجود بعثت و ارسال رُسل و تدوین دین و شریعت است. در همین خصوص در خطبه ۱۸۹ نهج‌البلاغه اشاره شده، بعثت پیامبر (ص) به‌عنوان کرامت و احترام به امت «كِرَامَةً لِّأُمَّتِهِ» معرفی شده است و این کرامت و احترام که برای تک بشر و قبل از تربیت او و حتی با وجود شرک و عناد بوده فقط به جهت انسان بودن و توانایی خاص او یعنی کرامت ذاتی اوست (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۸۹). این بدان معنی است که اگر انسان توانسته پله‌های کمال را بپیماید بدان جهت می‌باشد که خداوند کرامت را به او هدیه داده است. در غیر از این چگونه هیچ موجودی دیگر بدین درجه علمی نرسیده؟

از سویی شافعی و جوینی معتقدند: «اگر وجود ملازمه بین کرامت انسان با تشریح حکم مناسب با کرامت انسان را بپذیریم، به طور قطع یک قاعده اصولی را پذیرفته‌ایم و بحث در مورد آن یک بحث اصولی خواهد بود. که در قرن دوم هجری مورد توجه امام شافعی و سپس فقیهان دیگر قرار گرفت؛ که نمونه آن حکم به پاک‌ی منی انسان است» (شافعی، بی تا، ج ۱، ص ۸۲؛ جوینی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۳۰۹). این در حالی است که انسانها از سنین کودکی کم کم و به مرور زمان در می‌یابد که شخصیت و کرامتی متفاوت از سایر گونه‌های مخلوقات دارند که پیوسته با آنها می‌باشد و باید برای آنها احترام قائل شوند. این آموزه‌های فطری در احکام فقهی نیز دیده شده

۱. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا».

است و در مورد حفظ و رعایت آن، چه در مورد خود مکلف و چه در مورد سایر مکلفان، حقوق و وظایفی تعیین شده است، که باعث شناخت بیشتر و گام در رشد و ترقی بشر دارد. با این وجود خادمی کوشا، کرامت ذاتی را چنین تعریف می‌کند: «جایگاه و شخصیت انسان براساس ادراکات فطری و غیرقابل تغییر که اساس احکام ثابت دینی باشد. و همین کرامت ذاتی انسان اساس حکم فقهی رعایت کرامت عرفی هر انسان است» (خادمی کوشا، ۱۴۰۲، ص ۱۰۹). به عبارتی دیگر همین ادراکات فطری و غیرقابل تغییر است که باعث ایجاد تمدن بشری و رشد علوم انسانی در زمینه‌های گوناگون می‌شود.

کرامت و منزلت، گذشته از شاخه‌های حقوقی‌اش «در بردارنده‌ی دستور اخلاقی ژرفی است که شخص در هر وضع یا موقعیتی باشد؛ سزاوار و شایسته‌ی احترام است» (رشاد، ۱۳۸۵، ص ۲۴۴)، این احترام باعث می‌شود تا جوامع بشری را به سوی جلو سوق دهد. از منظر قرآن کریم، ملائک بر انسان سجده گذارند (ص، ۷۲)، در جایی دیگر خداوند بیان می‌دارند، انسان را به بهترین صورت آفریده<sup>۲</sup> (تین، ۴) و خود را با آفریدن او أحسن الخالقین خوانده<sup>۳</sup> (مومنون، ۱۴). از این دست آیه‌ها در قرآن کریم به وفور به چشم می‌آید، که آیات نشان از حرمت و کرامت انسان دارد.<sup>۴</sup>

این در حالی است، حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) نیز بر کرامت اسلام تاکید بسیاری داشتند، ایشان با رفتار و منشی که در طول حیات خود با مردم نشان دادند بر مبنای تقویت عزت و کرامت انسان‌ها عمل می‌شد. دروان زمامداری حضرت علی (ع) نشانه‌های علمی کرامت انسانی به کرات مشاهده می‌شود. ایشان در اکثر خطبه‌هایش، از مقام انسان سخن می‌گویند و نه از مسلمان و مؤمنین، این شیوه گفتمان نشان از رویکردی تمدن ساز آن حضرت دارد. تا جایی که ایشان را به عنوان رهبریت جهان شیعی بعد از رسول خدا متمایز می‌سازد. رویکرد حضرت علی به انسان فرا دینی بود، تا جایی که صرفاً انسان بودن افراد در جامعه را عاملی می‌دانست که باید بر مبنای آن حقوق انسانی و شهروندی آنان تأمین شود. حضرت علی (ع) خطاب به حاکم مصر می‌فرمایند: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳). این نوع رفتار اوج عظمت وجودی و کرامت انسان است. «برای حضرت علی (ع) کرامت ذاتی انسان‌ها بسیار ارزشمند است چرا که کرامت انسان از مهمترین کلید واژه‌های نهج البلاغه می‌باشد» (عبدالمقصود، ۱۳۷۱، ص ۳۹). از مواردی که آن حضرت بر عزت و کرامت انسانی تاکید دارد می‌توان به خطبه ۶۱، خطبه ۲۷، نامه ۱۳۱ و نامه ۲۵۳ اشاره کرد. امام خمینی نیز تاکید دارد که «اسلام برای جایگاه انسانیت انسان ارزش زیادی قائل است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، صص ۴۶۷-۴۶۸).

۱. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ».

۲. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ».

۳. «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».

۴. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً... (خداوند به انسان مقام خلافت الهی اعطای می‌کند) (سوره بقره، آیه ۳۰)؛ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (خداوند در این آیه از انسان پیمان می‌گیرد) (سوره اعراف، آیه ۱۷۲)، أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمِمَّا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (خداوند در سوره لقمان، آسمان‌ها و زمین را برای انسان مسخر می‌سازد) (سوره لقمان، آیه ۲۰) و فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (رو هنگامی که خلقت آن را به پایان و کمال رساندم و از روح خود (یک روح شریف و پاک و با عظمت) در آن دمیدم؛ همگی به خاطر آن سجده کنید) (سوره حجر، آیه ۲۹)...

۵. «وَأَسْعِزْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللِّطْفَ بِهِمْ. وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَبِمُ أَكْلَهُمْ. فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحَلَّ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»:

۶. ایشان در خطبه ۱ نوع انسان را به واسطه روح الهی و حقیقت ملکوتی که مایه‌والایی و تعالی اوست، دارای کرامت می‌داند.

۷. «و لقد بلغني أنّ الرجل منهم كان يدخل على المرأة المسلمة والأخرى المعاهدة فينتزع حجلها وقلبها وقلاندها ورعها... فلو أنّ امرأً مسلماً مات من بعد هذا أسفاً ما كان ملوماً بل كان به عندي جديراً؛ به من خبر رسیده است که یکی از آن غارتگران، بر زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان وارد شده

علامه محمد تقی جعفری، ضمن تقسیم کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی معتقد است «در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است که عبارت است از: ۱- کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و خیانت بر خویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند. از این صنعت شریف برخوردارند؛ ۲- کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت اکتسابی و اختیاری است. ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است» (جعفری، ۱۳۶۰، ص ۲۷۹).

از منظر تمدن شیعی کرامت انسان، نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری بلکه بر اساس یک امر هستی‌شناختی و اصیل معرفی می‌شود، که ریشه آن ذات خلقت بشری است که بر مبنای احکام و قوانین الهی توجیه دارد. به عبارت دیگر، کرامت ذاتی انسان، خود مبنی بر یک سلسله مفاهیم و ارزش‌های بنیادین اخلاقی و دینی است که عبارتند از: آزادی، اراده و اختیار، قدرت تعقل و تفکر، داشتن وجهه و نفخه الهی و داشتن جنبه خلیفه الهی.

## ۲-۴- عقلانیت

دومین مولفه علمی تمدن شیعی عقلانیت است که مورد تأیید همه فلاسفه دینی می‌باشد. ابن منظور در خصوص عقل بیان می‌دارد: «عقل به دلیل اینکه می‌تواند صاحبش را از گرفتار شدن نجات دهد و عامل تمایز او با سایر حیوانات است ارزشمند است» (ابن-منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۵۹)، فیروزآبادی «عقل را نوری الهی می‌داند که انسان به وسیله آن به علوم نظری می‌تواند دست یابد» (فیروزآبادی، ۱۹۹۱م، ص ۹۵۲)، شیخ حرعاملی با توجه به آیات و احادیث، عقل را در برگیرنده سه معنا می‌داند: «۱- نیرویی که با آن بدی و خوبی فهمیده می‌شود. ۲- ملکه ای که با انتخاب خوبی‌ها و اجتناب از بدی‌ها دعوت می‌کند. ۳- اندیشیدن و دانستن، و به این جهت در مقابل جهل قرار می‌گیرد نه در مقابل دیوانگی» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، صص ۲۰۸-۲۰۹).

شاید بتوان این ادعا که فقه شیعه در فرآیند اجتهاد به میزان فراوانی بر فهم عرفی استوار شده را دور از واقعیت ندانست. زیرا «فهم عرفی، پیوسته موتور اصلی حرکت اجتهاد شیعه بوده» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۶۱). که پویایی آن تضمین می‌کند. متفکرین شیعی، عقل را به دو شاخه تقسیم بندی می‌کنند: «عقل عملی که در نتیجه گذر زمان و مربوط به عرصه باید‌ها و نبایدهای ایجاد می‌شود و عقل نظری، که مربوط شناخت می‌باشد. بر این اساس، عقل نظری غالباً در علم کلام مورد توجه می‌باشد. ولی عقل عملی، شایسته‌ها و ناشایسته‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. (شفیعی، ۱۳۸۱، ص ۳).

تمدن شیعی از تمامی منابع معرفتی (۱- وحی، ۲- عقل قطعی، ۳- کشف عرفانی) برای شناخت حقایق هستی استفاده می‌کند. به عبارتی تمدن علمی اسلامی، عقل‌گرایی صرف را نکوهش می‌کند و پیوسته تأکید دارد که میان عقل و وحی رابطه معنا داری وجود دارد که در راستای یکدیگر حرکت می‌کنند. با این وجود است که، اراده انسان و هدایت او به سمت ارزش‌های والا و تزکیه‌ی نفس حرکت می‌کند. با کنکاش در آیات قرآن کریم و سیره امامان معصوم به این نتیجه کلی دست خواهیم یافت که، یکی از بزرگ‌ترین ابزارهای رشد عقل استفاده از آموزه های قرآنی می‌باشد، چراکه عقل انسان‌ها به واسطه دقت نظر در معانی آیات است که به اسرار هستی پی خواهد برد. در

و زیور آلات آنان را از تن آنان بیرون آورده و برده است... اگر به سبب این حادثه و ناراحتی حاصل از آن، مسلمانی بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من کاری سزاوار و در خور است».

۱. «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است». (نامه حضرت علی (ع) به امام حسن (ع) در بازگشت از جنگ صفین).  
 ۲. «أكرم نفسك عن كل دية وإن ساقتك إلى الرغائب فإنك لن تعاض بما تبدل من نفسك عوضاً ولا تكن عبد غيرك وقد جعلك الله حراً بزرگوarter از آن باش که به هر پستی تن دهی؛ هر چند که تو را به مقصودت (از اموال فراوان دنیا) برساند؛ زیرا تو نمی‌توانی در عوض آبرو و شخصیت انسانی خود که از دست می‌دهی، چیزی به دست آوری. و بنده هیچ کس مباش؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است».

آیه ۲۴ سوره محمد، به تعقل در قرآن توجه می‌کند، تا جایی که آن را نمونه‌ای از تلفیق عقل و وحی می‌داند.<sup>۱</sup> خداوند در جایی دیگر بیان می‌دارند: **كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** (بقره، ۲۴۲)، «این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می‌کند، باشد که بیندیشید».

قرآن کریم به شیوه‌های مختلف تلاش دارد انسان را به تعقل و تفکر دعوت کند و از واژه‌های معادل تبصر، تدبر، تفقه، دعوت و تذکر به فراگیری عبرت استفاده کرده است. که جملگی نشان از اهمیت تعقل و تفکر دارد، تا جایی که از مسائل پیرامون بشر به آسانی عبور نمی‌کند، بلکه با ژرف اندیشی تلاش دارد تا مسائل را مورد بررسی قرار داده و در همه بخش‌های زندگی تفکر را در راس امور قرار دهیم. قرآن به روشنی انسان را دعوت به تعقل می‌کند و از هرگونه تقلید از گذشتگان پرهیز می‌دارد. از نظر قرآن ویژگی کلیدی عقل این است که باعث می‌شود باور و ایمان ایجاد شود و این باور در مقابل شک و تردید قرار می‌گیرد. اما باید پذیرفت که این عقل نسبی هست.

پیامبر اسلام نیز بر عقل مداری تاکید می‌نماید: «انما یدرک الخیر کله بالعقل و لا دین لمن لا عقل له» رسول اکرم خطاب به امیر المومنین علی (ع) می‌فرماید «تمام خوبی‌ها با عقل به دست می‌آید و کسی که عقل ندارد دین هم ندارد» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴). در جایی دیگر بیان می‌دارند: «لکل شی دعاه المومن عقله فیکدر عقله تکون عبادته لربه» (الکراجکی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۱)، به معنی این که عبادت و بندگی انسان به اندازه عقل شان می‌باشد. حضرت علی در خصوص عقلانیت می‌فرماید «بهترین نعمت‌ها عقل می‌باشد» (شیرازی، ۱۳۶۶، ص ۳۳) در جایی دیگری می‌فرماید: «تفکر و تعقل مایه زندگی دل شخص با بصیرت است» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۰). امام صادق (ع) نیز عقل و عقلانیت را ثروت بزرگ می‌داند و می‌فرماید «لاغنا اخضب من العقل و لافقرأ حط من الحق» (شیرازی، ۱۳۶۶، ص ۳۴).

در نگاه تفکر شیعه، عقل عملی، وسیله‌ای در راستای شریعت معرفی شده، عقل احکام شرع را نخست کشف کرده سپس آن را عمل می‌نماید. ولی پس از فهم موضوع نمی‌تواند حکمی مستقل از شرع صادر کند. عقل عملی برای درک حقایق آزاد عمل می‌کند، این عقل است که حکم شرع را درک می‌کند. با این وجود چنین عقلی چگونه خودش راهنما باشد؟ از این رو است که فقهای شیعه، عقل در کنار دلایل نقلی معرفی می‌کنند. با این وجود می‌توان بیان داشت که این نوع عقل از خودش تولیداتی نمی‌تواند داشته باشد و تنها می‌تواند شریعت را شناسایی کند. هر چند در اندیشه شیعه قاعده بر ارجحیت عقل بر نقل می‌باشد، ولی این اصل در عقل نظری غالباً نمود می‌نماید. به عنوان نمونه در عقل نظری شناخت خداوند متعال ارجحیت دارد بر تکالیف شرعی، ولی در حوزه عقل عملی، مخصوصاً در مسائل اجتماعی و سیاسی این اصل در ابهام قرار گرفته.

### ۳-۴- نگرش توحیدی

مؤلفه علمی دیگری که می‌توان برای تمدن شیعی در نظر گرفت نگرش توحیدی می‌باشد. در همین راستا در قرآن کریم می‌خوانیم «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون، ۱) یعنی ایمان به خدا رستاگاری را به دنبال دارد. حال اگر بپذیریم که قرآن کلام خداوند است و جهان را خداوند خلق کرده پس می‌توان بیان داشت «مخلوق خداوند فعل خدا می‌باشد» (مطهری، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۸). با این وجود می‌توان نتیجه گرفت که شناخت جهان ماده جزو علوم اسلامی قرار می‌گیرد. تا جایی که جوادی عاملی از این شناخت، با عنوان علوم دینی یاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷). نگرش توحیدی به انسان اعلام می‌دارد که جهان هستی بر اساس اهداف مشخصی ایجاد شده است و به هیچ عنوان نمی‌توان این همه نظم را بدون حکمت در نظر گرفت. بلکه باید تلاش کرد تا رابطه علت و معلولی را از میان این عوامل پیدا کرد. هر چند در جایی خداوند اعلام می‌دارد که زمین و آسمان را مسخر انسان آفریده این بدان معنی است که انسان قابلیت

۱. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴)

آن را دارد تا هم آسمان و هم زمین را به تسخیر خود در آورد. از نظر مطهری با نگاه «به سوی اوایی تکوینی»، جهان دیگر به صورت تصادفی و یک بی نظمی بوجود نیامده، بلکه با هدفی بزرگ ایجاد شده تا انسان را از پوچ‌گرایی نجات دهد (مطهری، بی تا، ج ۲، صص ۸۵-۸۶). اگر بپذیریم که انسان بر روی زمین برگزیده شده نه انتخاب طبیعی، پس نمی‌توانیم بپذیریم برای این جهان کسی جز خداوند قانونگذاری کند. با این وجود انسان هم در قبال این برگزیده شدن وظایفی دارد که برای آن در دین اسلام تعریف شده که یکی از آنها گسترش علم برای افزایش رفاه مردم است. در حدیثی امام کاظم (ع) به هشام می‌گوید: «حجت باطنی، همان عقل‌های مردم است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۶). در این حدیث مشخص می‌شود که هر چند خداوند قانونگذار است ولی برای عقل نیز جایگاه ویژه در نظر دارد که خداوند به انسان ارزانی کرده است. از سویی در مکتب شیعی، منابع فقهی عبارتند از قرآن، سنت، اجماع و عقل که اجماع و عقل تاکید بر خرد بشری دارند. با این وجود است که مشخص می‌شود، نگرش توحیدی منافاتی با علم ندارد بلکه در راستای آن در حرکت است.

در واقع توحید، به معنای یکتا دانستن خدا، اصلی‌ترین آموزه اعتقادی در اسلام است. نگرش توحیدی تلاش دارد با القای نگرش «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>۱</sup> (بقره، ۱۵۶) جوامع بشری را به سوی رستگاری هدایت کند. در سایه توحید و اصل وحدت، می‌توان هدف نهایی خلقت را مشخص کرد. در مکتب توحیدی جهان، ماهیتی تک قطبی دارد و همه از خداوند هستند و به سوی خداوند باز می‌گردند. پس، زندگی دنیوی هرگز بی هدف نیست و آغاز و انجامی دارد. این فراخوان به یگانگی، راه رستگاری بشر می‌انجامد ولی برای رسیدن به این رستگاری باید از عقل استفاده نمود و برای آن ارزش قائل شد. برای اسلام علم از آن جهت واجب است که در جهت اثبات خداوند گام بردارد. برای نمونه می‌توان بیان داشت جهان از آن جهت به پزشک نیاز دارد که با علوم پزشکی آشنایی دارد و این نیاز یک تمدن و جامعه برای بقا می‌باشد پس علوم پزشکی واجب کفایی می‌باشد همچنین سایر رشته‌ها نظیر معلمی، فلسفه، سیاست، تجارت و ...

با این تعاریف درمی‌یابیم که نگرش توحیدی، تلاش دارد ساختارهای علمی را در جهان تعریف و حمایت کند ولی علمی که در راستای اثبات خداوندی حرکت می‌کند نه در رد وجود خدا از این رو است که شهادت بر یکتایی خدا و دوری از شرک، اولین گزاره‌هایی است که پیامبر اسلام در آغاز دعوت آشکار خود، خطاب به مردم مکه بیان کرده است: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ»<sup>۲</sup> (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴). حضرت علی (ع) نیز، اعتقاد به توحید را اساس شناخت خدا دانسته است «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ»<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، خطبه ۳۹). با وجود چنین شواهدی، می‌توان نگرش توحیدی را از اصول علمی تمدن شیعی معرفی نمود.

#### ۴-۴- عدالت گستری

یکی دیگر از مولفه‌های علمی تمدنی حکومت شیعی عدالت گستری می‌باشد، که در بطن حکومت اسلامی نمایان است. قرآن کریم نیز عدالت را هدف اصلی بعثت انبیا معرفی می‌کند. عدالت به معنی قرار گرفتن هر چیزی در جای خود تعریف می‌شود (منتظر القائم، ۱۳۹۲، ص ۲۵۳). اگر بپذیریم که قوانین حقوقی آبخور علمی دارند، باید پذیرفت که قوانین ایجاد بشر مانند حقوق بشر در راستای عدالت گستری شکل گرفته‌اند و این قوانین پیش از ایجاد شدن ریشه در آموزه‌های دینی داشته‌اند. با این وجود منطق عدالت

۱. «آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد می‌گویند ما از آن خدائیم؛ و به سوی او باز می‌گردیم».

۲. «پروردگارت که دارای عزت است از آنچه او را به آن توصیف می‌کنند، منزّه است».

۳. «سرآغاز دین، معرفت اوست، و کمال معرفتش تصدیق ذات او، و کمال تصدیق ذاتش، توحید و شهادت بر یگانگی اوست».

گستری، از یک سو مانع از تداوم استبداد فردی و از سوی حرکت به سوی مدینه فاضله در تمدن‌های بشری شده است. عدالت گستری نقش مهمی در ایجاد امنیت و ثبات در جوامع و بالندگی آن تا به امروز بر عهده داشته است. عدالت مفهومی ارزشی و از جمله آرزوهای همیشگی انسان‌ها در طول تاریخ است و در زمره مطالبات اساسی زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی می‌باشد. عدالت رعایت تناسب هر چیز است. برخی از اندیشمندان معتقدند عدالت اعتباری است و با قرارداد اجتماعی و عقلایی پدید می‌آید و باعث تداوم تمدن و گسترش عقل‌گرایی می‌شود. به عبارتی ساده‌تر یکی از مولفه‌های علمی تمدنی بشر مسئله عدالت گستری می‌باشد که باعث تحکیم تمدن بشری می‌شود.

از آنجایی که تمدن شیعی بر آموزه‌های قرآنی استوار شده، چراغی پر نور برای شناخت تمدن الهی می‌باشد که این چراغ راه تمدن سازی در دستان حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) قرار داشته است. جایگاه عدالت از منظر قرآن به اندازه‌ای است که به عنوان اصلی کلیدی و جدایی‌ناپذیر حکومت اسلامی تبدیل شده و آن را واجب می‌داند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰). در قرآن- کریم: «عدالت در زمره ارزش‌های والا یاد شده که ایجاد آن از حکمت‌های بعثت پیامبران الهی و نزول قرآن کریم معرفی می‌شود به عبارتی اساس آفرینش و حکمت بعثت انبیا بر مدار عدل و داد استوار است»<sup>۲</sup> (حدید، ۲۵)، تاجایی که حضرت رسول خود را مأمور برقراری عدالت می‌داند<sup>۳</sup> (شورا، ۱۵). در سوره انبیا می‌خوانیم: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ»<sup>۴</sup> (انبیا، ۱۱)، با این وجود از منظر قرآن کریم، دوام و پایایی جامعه در گسترش عدالت است و فقدان عدل و داد، سبب زوال و افول جامعه می‌شود. در جایی دیگر خدافرمان انسان را به عدل و احسان که در وجودش هست تشویق می‌کند<sup>۵</sup> (نحل، ۹۰). با استناد بر آیات قرآن کریم مشاهده می‌شود رعایت عدالت در امور واجب قرار دارد (بقره، ۲۷۹؛ نساء، ۳، ۵۸، ۱۲۹، ۱۳۵؛ مائده، ۸؛ نحل، ۱۶؛ شوری، ۱۵؛ حجرات، ۹).

قرآن کریم ارزش عدالت را آنچنان بالا می‌داند، که در خصوص دشمنان هم لازم الاجرا معرفی می‌کند. به عنوان مثال در سوره بقره می‌خوانیم: «و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد»<sup>۶</sup> (بقره، ۱۹۰). در سوره مائده بیان می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اغْدُلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»<sup>۷</sup> (مائده، ۸). که سفارش می‌کند «برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند.» نظیر این آیات در مائده، ۲؛ نحل، ۱۲۶؛ شوری، ۴۰؛ ممتحنه، ۸ مشاهده می‌شود، که نشان از اهمیت رفتار عادلانه با دشمنان دارد.

عدالت در تفکر شیعی نیز همچون قرآن کریم، یکی از اصول اساسی امامت است. امام علی (ع) در نهج البلاغه عدالت را ستون دین و پایه تمدن می‌داند<sup>۸</sup>. عدالت محوری در دوران زمامداری حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) از مهمترین مولفه‌های علمی تمدن ایشان بود. تا جایی که حضرت علی (ع) را می‌شود تجسم عدالت در میان حاکمان بشری معرفی کرد ایشان عدالت را به عنوان

۱. «خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد»  
 ۲. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ... همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند...»  
 ۳. «وَأَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»  
 ۴. «و چه بسیار مردم ستمگری در شهر و دیارها بودند که ما آنها را درهم شکسته و هلاک ساختیم و قومی دیگر به جای آنها بیافریدیم»  
 ۵. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (نحل، ۹۰) همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد.»  
 ۶. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعَدُّوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰).  
 ۷. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیکتر است و از خداوند پروا کنید که همانا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»  
 ۸. «العدل ساس الرعيه» (عدالت اساس اداره مردم است)

اجرای عملی حکومت خود قرار داده بود تا جایی که با نگاهی گذرا بر دوران حکومتش می توان دریافت که، کردار او با اندیشه اش همخوانی داشت؛ یعنی او هم عدالت خواه بود و هم عادل. حضرت علی (ع) تاکید دارد: «العدل حياه الاحكام، عدالت روح و كالبه احكام الهی است» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۳۶). و در جایی دیگر می فرماید: «العدل اقوی اساس، عدل سنگ زیرین بنیاد اسلام است» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۳۶). از سخنان و کلمات قصار حضرت علی (ع) چنین استنباط می شود که ایشان عدل را به معنی مراعات انصاف در حقوق مختلف افراد در جامعه معرفی می کند. حضرت می فرماید: «عدالت وسیله سنجشی است که خداوند برای مردم نهاد تا حق در جامعه استوار گردد. بنابراین خدا را در این میزان همراه باش و مخالفت نکن»<sup>۱</sup> (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۷۸). ایشان در نخستین خطبه بعد از بیعت مردم اعلام داشت که در میان مردم به عدالت رفتار خواهد کرد (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۶). جرج جرداق، متذکر می شود: «توصیه های امام و نامه های وی به فرمانداران، همواره بر محور واحدی به نام عدالت می چرخید» (جرداق، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳).

حضرت علی (ع) بر این باور بود که وقتی عدالت در این سطح فراگیر شد، گشایش و راحتی حاصل می شود (نهج البلاغه، خطبه ۱۵) شهرها آبادان و شهروندان اصلاح، حکومت ها استوار، جامعه به سوی پیشرفت و در نهایت آهنگ تمدن سازی نواخته خواهد شد. ابن خلدون نیز عدالت را رکن اصلی پیشرفت یک جامعه می شمارد و با بهره مندی از آیات قرآن، ظلم را از موانع حرکت تمدنی و عامل انحطاط تمدن ها می داند (ابن خلدون، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۰۳).

تمدن شیعی با الهام از قرآن، نظامی عادلانه را ترویج می دهد که در آن توزیع منابع، اجرای قوانین، و قضاوت بر اساس قسط صورت می گیرد. این شامل جلوگیری از تمرکز ثروت (حشر، ۷) و حمایت از محرومان است، که در ساختارهای حکومتی شیعی مانند نظام وقف و زکات نمود می یابد.

#### ۵-۴- توجه به علم

اسلام به علم و معرفت توجه ویژه دارد، تا جایی که می توان توجه به علم را یکی دیگر از مولفه های علمی تمدن شیعی در نظر گرفت. این رویکرد به نوبه خود باعث می شود که دین اسلام را از سایر تمدن های بشری متمایز کند. اسلام سرچشمه تعلیم و تربیت است و قرآن و سخنان رسول خدا به خودی خود نشانه علم آموزی می باشد. در برخی آیات قرآن کریم به علم آموزی اشاره شده است که عبارتند از: «أَفَرَأَى بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ - ...»<sup>۲</sup> (علق: ۱-۴). برای خداوند نوشتن، آنچنان مقدس است که پروردگار به آن سوگند می خورد. در جایی دیگر بیان می دارد: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم: ۱) به نون و قلم قسم. خداوند در قرآن همراه ایمان، تقوا و جهاد، برای صاحبان علم جایگاه ویژه ای در نظر گرفته است: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»<sup>۳</sup> (مجادله: ۱۱).

با نگاهی اجمالی در تمدن اسلام و شیعی به نظر می رسد که علما با جاهلان در یک سطح قرار ندارند: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، ۹). این جمله، نشان از مساوی نبودن دو گروه دارد. شاید دلیل آن باشد که اولی به حقایق امور توجه دارد. همدانی معتقد است که: «آنها که علم دارند بر دیگران رجحان دارند» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۷۰). با مروری بر واژه علم و مشتقات آن در میابیم که این واژه در قرآن کریم ۷۸۰ بار، واژه تعقل و مشتقات آن ۴۹ بار، کلمه تفکر و

۱. «ان العدل میزان الله الذی وضعه للخلق و نصبه لاقامه الحق فلاتخالفه فی میزانه» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۷۸).

۲. «بخوان به نام پروردگارت که [همه آفریده ها را] آفریده - انسان را از خلق به وجود آورد. - بخوان در حالی که پروردگارت کریم ترین [کریمان] است - همان که به وسیله قلم آموخت».

۳. «خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان شما را رفیع گرداند».

مشتقات آن ۱۸ بار، کلمه تدبیر و مشتقات آن ۴۴ بار، واژه حکمت و مشتقات آن ۱۱۷ بار آمده است (منتظرالقائم، ۱۳۹۲، ص ۵۳). که نشان از اهمیت بالای آن دارد.

اهمیت علم ودانش در تمدن شیعی تا آن اندازه است که در کلام پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) نگاه محبت آمیز به معلمین نوعی عبادت معرفی شده: «النظر فی وجه العالم حبا له عبادة» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۵). در سخنان به جا مانده از پیامبر اکرم (ص) توصیه‌های گسترده‌ای به آموختن علم و دانش وجود دارد. ایشان نه تنها مسلمانان را مکرر به دانش آموزی سفارش کرده‌اند، بلکه آن را بر همگان واجب دانسته‌اند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ». حدیث مشهور: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ» هم نشان می‌دهد دین اسلام برای دانش آموزی ارزش زیادی قائل شده است که حتی برای آموختنش طی مسافت نیز لازم باشد، باید برای کسب آن کوشش نمود.

دوران زمامداری امام علی (ع) تلاش گسترده‌ای را برای آموزش جامعه و مبارزه با خرافات و نادانی مسلمانان آغاز شد؛ چنان که به فرمانداران خود دستور داده است: «کلاس‌های آموزش پرسش و پاسخ و مناظره علمی با دانشمندان و حکما برپا کنند» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۶۷، ص ۱۰۶۳؛ نامه ۵۳، ص ۱۰۰۱). حضرت علی (ع) معتقد بود، برای رسیدن جامعه به اهداف الهی، بلوغ فکری، توسعه فرهنگی، تعلیم و تربیت، دانایی و ایجاد عقلانیت مردم باید تلاش کرد و این هدف بر هر چیزی مقدم است ایشان برای دانش و حکمت ارزش فراوانی قائل بود و آن را بنیان کامیابی‌های مادی و معنوی جهان معرفی می‌نماید، به طوری که می‌فرمود: «ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که آن را نیکو می‌داند و حکمت گمشده مؤمن است؛ آن را فرا گیرید هرچند در دست منافق باشد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۷۷ و ۷۸، ص ۱۰۶۸). در جایی دیگر حضرت علی (ع) ارزش انسان‌ها را به مقدار دانایی و علم آنها می‌داند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۷۸۰، ص ۱۱۲۲). در دوران طلایی اسلام، مسلمانان در علوم مختلف پیشرفت‌های بسیاری داشتند. حمایت دولتی، ساخت دانشگاه و رصدخانه و ترجمه آثار و کتب علمی از زبان‌های دیگر مانند یونانی، سریانی و پهلوی، از جمله مهم‌ترین دلایل پیشرفت علمی مسلمانان در این دوران به شمار می‌آیند.

به عبارتی ساده تر در نگاه شیعی، ائمه (ع) منبع علم الهی هستند و تمدن شیعی باید بر تولید دانش و نوآوری متمرکز باشد. علم ائمه به‌عنوان هدایت‌گر جامعه در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که، قرآن کریم تمدن شیعی را به سمت دانش محوری سوق می‌دهد. این اصل در ایجاد مراکز علمی (مانند حوزه‌های علمیه یا دانشگاه‌های اسلامی) و استفاده از فناوری‌های نوین (مانند بلاک‌چین در اقتصاد) نمود می‌یابد. تمدن شیعی با الهام از قرآن، به دنبال تولید علم بومی و رقابت در اقتصاد جهانی است.

#### ۴-۶- توجه به بهداشت فردی و جمعی

یکی دیگر از شاخصه‌های علمی تمدن شیعی، توجه جدی آن به نیازمندی‌های جسمی و روحی انسان بود. از جمله آیاتی که به بهداشت فردی و جمعی اشاره کرده در سوره مانده آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ...» (مائده، ۶). در این آیه به احکام غسل، وضو و تیمم که موجب پاکیزگی روح است؛ توجه شده است. در آیه شریفه «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره، ۱۹۵) از اهمیت رعایت بهداشت فردی و جمعی می‌توان برای جلوگیری از

۱. «ای اهل ایمان! هنگامی که به نماز برخیزید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشویید و بخشی از سرتان و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید و اگر جُنُب بودید، غسل کنید و اگر بیمار هستید یا در سفر می‌باشید یا یکی از شما از قضای حاجت آمده، یا با زنان آمیزش کرده اید و آبی نیافتید، به خاکی پاک، تیمم کنید و از آن بخشی از صورت و دست هایتان را مسح نمایید. خدا نمیخواهد بر شما تنگی و مشقت قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید، تا سپاس گزایید.»

مرگ اشاره نمود، چراکه بهداشت فردی و جمعی مقدمه واجب می باشد، به عبارتی ساده تر رعایت بهداشت فردی و جمعی و پیش گیری از بیماری ها برای حفظ جان مسلمانان لازم و ضروری می باشد. لازم به ذکر است اگر فردی آگاهانه برای حفظ جان مسلمانان کوتاهی کند، مستوجب عقوبت است.

حضرت علی (ع) از فواید اهمیت پیشگیری بیان فرمود: «لاوقایة امنع من السلامة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۲). در جایی دیگر آن حضرت می فرمایند: «کم خوری مانع بسیاری از بیماری های جسم می شود» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۸). در جایی دیگر بیان می دارد «هرکس خوراکش کم باشد دردهایش نیز کم است» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۹).

در واقع شواهد دگر بار نشان می دهد، که سفارشات خداوند برای حفظ منافع فردی و جمعی مردم می باشد. با این رویکرد پروردگار قصد دارد تا مردم به بهداشت فردی و جمعی توجه داشته باشند و این احکام به هیچ عنوان در جهت تحت فشار قرار نهادن انسان ایجاد نشده چراکه نه تنها سخت نمی باشد بلکه برای سلامتی فردی و جمعی انسان ها لازم و ضروری می باشد.

### نتیجه گیری

تمدن علمی شیعی، بر پایه و اصول عقیدتی، باورهای الهی و وحی با تکیه بر ارزش های اسلامی در طول حیات بشر، شکل گرفته است و نشانه تمدن الهی می باشد. به طور کلی تمدن، حالت اجتماعی انسان به شمار می آید و شاخصه ها و مؤلفه هایی حائز اهمیت دارند، مولفه های علمی تمدن شیعی ریشه در آموزه های قرآن کریم و سیره حکومتی حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) و بزرگان دینی دارد. در تمدن شیعی، برنامه حیات بشری بر پایه مصالح فردی و جمعی، برای حیات سرفرازانه انسان در نظر گرفته شده و افرادی که در این تمدن رشد می کنند؛ علاوه بر این که از همه جوانب حیات بهره مند می شوند، هرگز مقهور طبیعت و ماده نخواهند شد. با تکیه بر این موارد می توان شش مولفه علمی برای تمدن شیعی در نظر گرفت و آن را دسته بندی کرد. توجه به کرامت انسانی از نظر محقق در بالاترین درجه مولفه های و شاخص های علمی تمدن شیعی قرار دارد، عقلانیت، نگرش توحیدی، عدالت گستری، توجه به علم، توجه به بهداشت فردی و جمعی، در درجات بعدی مولفه های علمی تمدن ساز شیعی قرار می گیرند، که با الهام از قرآن و سخنان ائمه (ع) و بزرگان دین تشیع در دستور کار قرار گرفته اند. با تکیه بر نتایج بدست آمده می توان چنین نتیجه گیری کرد که نقش آفرینی شیعی در تمدن نوین اسلامی از مولفه های حکومت شیعی سرچشمه می گیرد که در نهایت به ساخت تمدن شیعی منتج گردید. با شناخت این مولفه ها می توان در پیگیری و احیای تمدن سازی شیعی گام برداشت.

### ملاحظات اخلاقی

#### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می دارند که در انجام این پژوهش هیچ گونه تضاد منافع وجود ندارد.

### حمایت مالی

نویسندگان اظهار می دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده اند.

قرآن کریم.

نهج البلاغه (محمد دشتی، مترجم).

ابن اثیر، علی بن محمد. (بی تا). اسدالغابه. دار احیاء التراث العربی.

ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم بن منظر مصری. (۱۴۰۸ق). لسان العرب. دارالصادر.

ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۵۹). مقدمه ابن خلدون (محمد پروین گنابادی، مترجم). بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

احمد الطبرانی، ابی القاسم سلیمان بن. (بی تا). المعجم الکبیر. دار احیاء التراث العربی.

اکاتی، مرضیه؛ و خدایار، دادخدا. (۱۳۹۳). نقش امام علی (ع) در گسترش تمدن اسلامی (مطالعه موردی توزیع اقتصادی). اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی.

آمدی، عبدالوحد. (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و دررالکلم (جمال الدین محمد خوانساری، مترجم؛ میر جلال الدین حسینی، مصحح). دانشگاه تهران.

بابایی، احمدعلی. (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه. انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

بختی، کامران. (۱۳۷۱). فرهنگ انگلیسی-فارسی: مترادف و متضاد. نشر کلمه.

پولادیان، حسین؛ خجسته، فرامرز؛ و انصاری، زهرا. (۱۴۰۰). بازپژوهی مولفه های شیعی آیین فتوت. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۲(۴۵)، ۵۹-۸۲.

تبریزی زاده اصفهانی، راضیه. (۱۳۹۹). مؤلفه های فرامادی تمدن ساز از منظر قرآن کریم. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۲(۱)، ۱۵۰-۱۲۷.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2021.129456>

جان احمدی، فاطمه. (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. دفتر نشر معارف.

جرداق، جرج. (۱۳۸۵). امام علی (ع) صدای عدالت انسانی (سیدهادی خسروشاهی، مترجم). بوستان کتاب.

جعفری، محمد تقی. (۱۳۶۰). «حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب»، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.

جعفری، محمد تقی. (۱۳۶۲). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. انتشارات فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۶). کرامت در قرآن. مرکز نشر و فرهنگ رجاء.

جوینی، عبدالملک بن عبدالله بن یوسف. (۱۴۲۸ق). نهاية المطلب فی درایة المذهب الطبعة الاولى. دارالمنهاج.

حسینی، سید حسین. (۱۳۹۵). روش تحلیل مؤلفه های مفهومی تمدن، تمدن پژوهی: مطالعات مفهومی تمدن اسلامی. جامعه شناسان.

حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول (علی اکبر غفاری، مصحح). مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

حراعلی، محمدابن حسین. (۱۴۰۳ق). وسایل الشیعه (عبد الرحیم الریانی شیرازی، محقق). دار احیا التراث العربی.

خادمی کوشا، محمدعلی. (۱۴۰۲). جایگاه های کرامت ذاتی انسان در علم اصول فقه و استنباط های فقهی و تفاوت روشی آنها. فصلنامه علمی پژوهشی اصول. ۱۰(۳۷)، ۱۰۳-۱۲۶.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. دانشگاه تهران.

دورانت، ویل. (۱۳۷۸). تاریخ تمدن (احمد آرام و دیگران، مترجم). مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۵). دانشنامه ی امام علی (ع). انتشارات سازمان و پژوهشگاه.

زمانی محجوب، حبیب. (۱۴۰۳). مؤلفه های تمدن ساز در سیره امام علی (ع) با رویکرد قرآنی. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۱۵(۱)، ۴۶-۷۵.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2023.389965.1194>

ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی. کیهان.

شافعی، محمدبن ادریس. (بی تا). احکام القرآن. دار الکتب العلمیة.

شفیعی، محمود. (۱۳۸۱). عقل و عقابنیت در اندیشه سیاسی شیعه پژوهشی. علوم سیاسی، ۱۷(۵)، ۱۰۵-۱۳۰.

شیرازی، صدرالدین محمد. (۱۳۶۶ق). شرح اصول الکافی: کتاب العقل و الجهل (محمد خواجوی، مصحح). موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

صدری، احمد. (۱۳۸۰). مفهوم تمدن و لزوم احیای آن در علوم اجتماعی. نشر هرمس.

طارمی راد، حسن. (۱۳۸۳). توحید در دانشنامه جهان اسلام. بنیاد دایره المعارف اسلامی.

طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. ناشر الشریف الرضی.

طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۴). اخلاق ناصری (مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، مصحح). شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

عبدالمقصود، عبدالفتاح. (۱۳۷۱). امام علی بن ابی طالب (ع) (سید محمود طالقانی، مترجم). شرکت سهامی انتشار.

عمید، حسن. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی عمید. امیرکبیر.

کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). کافی (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، محقق). دارالکتب الاسلامیه.

فروغی نیا، حسین؛ ملک، سحر؛ و حسینی، فائزه السادات. (۱۳۹۸). نگرشی به مفهوم کرامت انسانی در پرتو اندیشه های فقهی اسلامی. پژوهش های حقوقی قانون یار، ۲(۵)، ۱۱۳-۱۴۰.

فیروز آبادی، محمدبن یعقوب. (۱۹۹۱م). القاموس المحيط. دار احیا التراث العربی. الکرادجکی، ابوالفتح محمد بن علی. (۱۹۸۵ق). کنز الفوائد. دارالاضواء. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. دار احیاء التراث العربی. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹). میزان الحکمه (حمیدرضا شیخی، مترجم). مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). خدائشناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن) (امیررضا اشرفی، محقق). انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. مطهری، مرتضی. (بی تا). مجموعه آثار استاد مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (انسان و ایمان، جهان بینی توحیدی)، وحی و نبوت، انسان در قرآن، جامعه و تاریخ. صدرا. منتظر القائم، اصغر. (۱۳۹۲). تمدن سازی نبوی و علوی. مرغ سلیمان. موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). صحیفه نور. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۸۷). صحیفه امام. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. موسوی همدانی، محمد باقر. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمی قم. موسوی، سید محمد جمال. (۱۴۰۰). تمدن شیعی یا تمدن اسلامی. پژوهش های تاریخی، فرهنگی و تمدنی. نجفی، موسی. (۱۳۹۶). تمدن رضوی (مؤلفه های تمدن ساز در مکتب سیاسی امام رضا). آرما. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۴). علم و تمدن در اسلام (احمد آرام، مترجم). مرکز انتشارات علمی و فرهنگی. یعقوبی، احمد بن اسحاق. (بی تا). تاریخ یعقوبی. دار صادر.

Heilbron, J.L. (۲۰۰۳). "Preface". The Oxford Companion to the History of Modern Science. Oxford University Press.

Wilson, E.O. (1999). "The natural sciences". Consilience: The Unity of Knowledge (Reprint ed.). Vintage.